

میراث هزار ساله

بطریک جوناالی

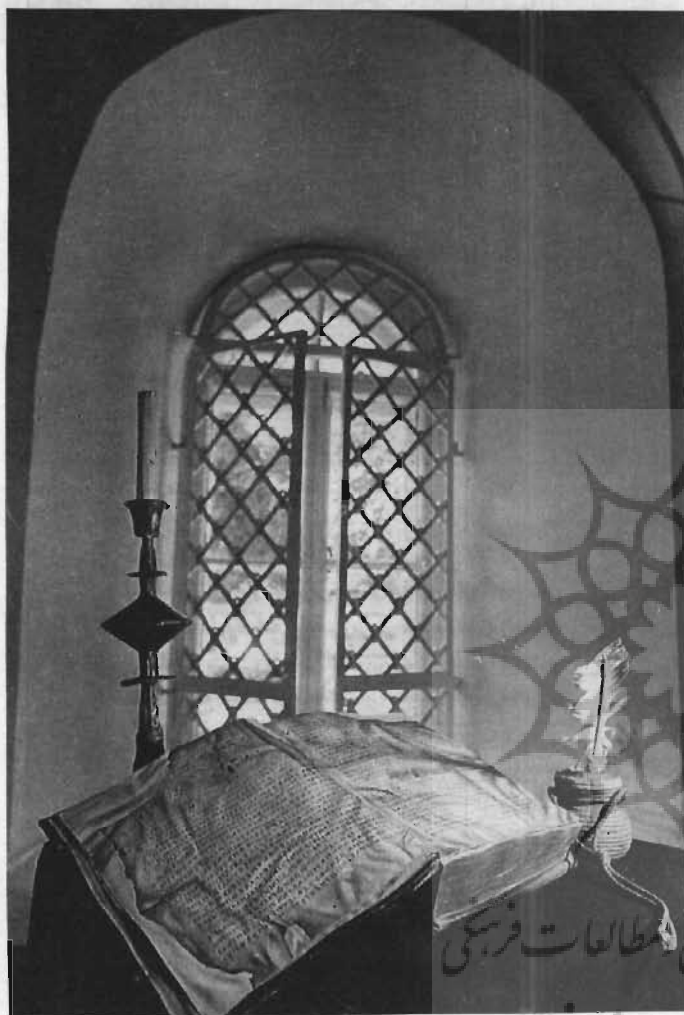
مسیحی شدن روسیه که هزاره آن را کلیسای ارتدوکس روس جشن می‌گیرد از نظر تاریخی بسیار اهمیت داشت و باعث شد که بخش قابل توجهی از مردم شرق اروپا به خانواده ملل مسیحی وارد شوند. نخستین جونااهای مسیحیت در خاکی که بعداً به کشور روس تبدیل شد در همان قرن اول میلادی یعنی در عصر رسولان مسیح روییدن آغاز کرد. طبق یک نظر، قدیس آندرتاس، نخستین رسول، در این منطقه به ترویج مسیحیت پرداخت. تأیید این نظر، روایتی است منسوب به قدیس آندرتاس که در جوامع مسیحی قرون اول تا سوم در کرانه شمالی دریای سیاه رواج داشت. در حفاری کلیساهای این دوره در خرسونسوس، تانایس و شهر باستانی آکسایسکوی (یا کویباکووی)، قالبهایی کشف شده است که برای پختن نان فطیر عشای ربانی به کار می‌رفت و به جای صلیب قائم معمولی صلیب ضربدری قدیس آندرتاس بر آنها نقش شده بود.

در قرون سوم و چهارم، اسقفهای یونانی در منطقه‌ای از کرانه شمالی دریای سیاه تا سرحدات مناطق تحت فرمان اسلاوها رفت و آمد داشتند. تأثیر عقیدتی دین و فرهنگ پیشرفته‌تر ایشان را بر جوامع اسلاو نمی‌توان منکر شد. در قرن ششم، وقتی مهاجمان مختلفی (هونها، مجارها، بلغارها و آوارها) قبایل اسلاو را به تغییر مکان واداشتند تا آنکه تقریباً کل شبه جزیره بالکان را تا سرحد اسپارت باستانی اشغال کردند، همزیستی ایشان با یونانیان مسیحی با تأییراتی همراه بود. از این زمان به بعد بود که اولین ماندگاههای ثابت اسلاوهای مسیحی شده تشکیل شد.

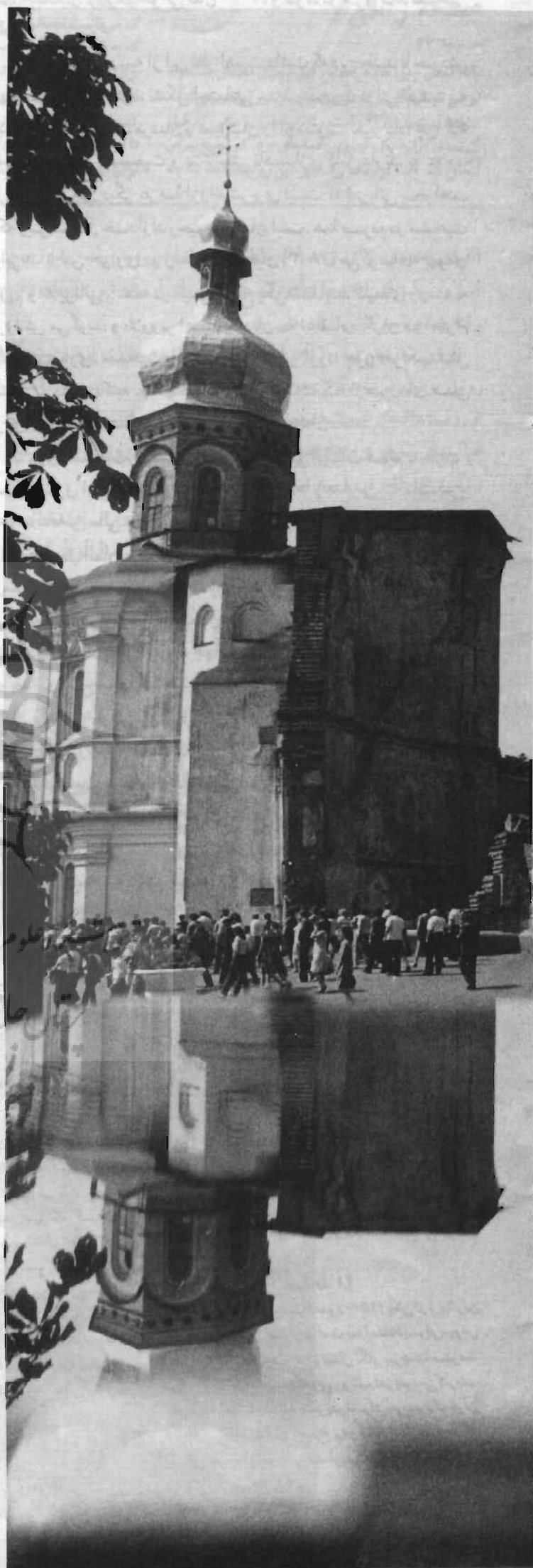
طبق زندگینامه قدیس گورگیوس آماستریسی و قدیس استفانوس سوروزی، در پایان قرن هشتم دسته‌هایی از جنگاوران روس (دروژینیکها) به این دو شهر آسیای صغیر حمله کردند و بعداً همانجا مسیحی شدند. در سال ۸۶۴ میلادی، کشور اسلاونشین بلغارستان به طور کامل مسیحی شد. در قرن دهم، اسلاوهای شرقی هم مسیحی در میان خود داشتند و هم بت‌پرست، و این مطلب را مسعودی (حدود ۹۰۰-۹۵۶) نیز در مروج الذهب آورده است. ظاهراً در آن موقع مسیحیت در میان اسلاوهای شرقی که به بلغارها و یونانیها نزدیکتر بودند رواج بیشتری داشت تا در میان اسلاوهای که در شمال ایشان بودند.

در سال ۹۵۷، پرنسس اولگای کیف، در قسطنطنیه تعمیم یافت. او تا پایان عمر مسیحی ماند و در ترویج این آیین نیز کوشید. می‌گفت: «خدایا، بر مردم من و سرزمین روسیه رحمت نما و ایشان را نیز چون من متوجه خود گردان». نوه همین اولگا، پرنس ولادیمیر، در سال ۹۸۸ کیف را مسیحی اعلام کرد.

زمان ایمان آوردن جمعی فرارسید، سرزمینها یکی پس از دیگری از بت‌پرستی دست کشیدند و به خانواده مسیحیت پیوستند. دانمارک در قرن



Kuva: V. Repik ja V. Fajin © Fotokronica TASS, Moskov



پجرسکایا لاورا (صومعه غارها) در کیف در قرن یازدهم پایه گذاری شد. نخستین راهبان زاهدانی بودند که در غارهایی حفر شده در سکوه‌های رسی کنار رودخانه دنیپر زندگی می کردند. لاورا (یا بنیاد مهم رهبان) که خیلی زود مرکز زندگی فکری کیف شد، مجموعه معماری شگفت‌انگیزی است که طی ۹ قرن ساخته شد. یکی از راهبان آن، وقایع نویس اواخر قرن یازدهم، منظور بود که مؤلف اصلی وقایع نامه اولیه روسیه است. این وقایع نامه قدیمیترین تاریخ روسیه کیف را در بر دارد. بسالا، دستنوشته‌ای است از وقایع نامه که در مسوزة کتابهای قدیمی لاورا نگهداری می شود. عکس سمت راست نشاندهنده کلیسای تثلیث (۱۱۰۶-۱۱۰۸) است (در سمت چپ عکس) که بر معبر اصلی لاورا ساخته شده است؛ در وسط عکس، بقایای کلیسای رهبانی آجری اولیه (۱۰۷۷) که در سال ۱۹۴۱ ویران شد، و در سمت راست عکس برج بزرگ ناقوس (۱۷۳۱ - ۱۷۴۵) را می بینید.

دهم، ایسلند و نروژ در حوالی سال ۱۰۰۰، و سوئد در قرن بعد مسیحی شدند.

مسیحی شدن روسیه از این نظر اهمیت داشت که دین جدید با خودش جهان بینی اساساً جدید، تشکل اجتماعی جدید و قدرت دولتی جدید به دنبال آورد و مناسبات مردمان و تعبیرشان را از معنویت تغییر داد؛ چرا که اصول خودآگاهی مسیحیت و بت پرستی ناهمسازی کامل دارند. به علاوه، سرزمین مسیحی دیگر عرصه ارواح شریری نیست که قربانی بخواهند، بلکه زیر فرمان خداوند رحیم و رحمان است. همه مردم در مسیحیت برابرند. بولس حواری در رساله به غلاطیان (۳، ۲۸) می گوید: «نه یهودی داریم و نه یونانی ... همه در عیسی مسیح یکی شده اند». کلیسای روسیه به پیروانش می گوید: «علاوه بر اعتقاد خودتان به اعتقاد دیگران هم احترام بگذارید». باری، مسیحیت با خود فرمانهایی نیز آورد، چون «مرتکب قتل نشوید ... دزدی نکنید ... شهادت دروغ ندهید ...» که از مرزهای ملی فراتر می رفتند و همه مؤمنان می بایست رعایتشان کنند.

با ورود مسیحیت، نوشته های آباء کلیسا و نیز ادبیات قدیم به غرب و شمال و شرق اروپا راه گشود. صومعه ها، کلیساها و مدارس مختلف برپا شد. سالنامه نویسانی چون بید ملقب به نراییلیس (محترم) در انگلستان، آدام برمنی در آلمان، و نسطور وقایع نویس در روسیه (که نویسنده پووست ورمینخ لت یا «حکایت سالهای سپری شده» معروف به وقایع نامه اولیه روس به شمار می رود) حکایات سرزمین خویش را به صورت مجلدات عظیم درآوردند. عصر سفرها، جهانگردیها و تماسهای فرهنگی آغاز شد که بعداً در شرح حالهای شخصی به ثبت رسیدند. در این میان، «زیارت دانیال راهب از ارض مقدس» متعلق به قرن دوازدهم، نمونه برجسته ای از ادبیات اولیه روس به حساب می آید.

مسیحیت میل به ساخت بنا را نیز ارمغان آورد. پرنس ولادیمیر دستور داد که در کیف و جاهای دیگر بناهای مقدس بسازند و طرحهای بزرگی آغاز کرد که در واقع معماری روسیه را با شاهکارهای معروفش مثل کلیساهای قدیسه سوفیا در کیف و نووگورود، کلیسای فریضه در ولادیمیر و پچرسکایا لاورا (صومعه غارها) در کیف، پی ریزی کرد. تولد ادبیات اسلاو به نوبه خود محصول مستقیم فعالیت های تعلیماتی مبلغانی چون قدیس سیریل و قدیس متودیوس بود که در قرن نهم میلادی

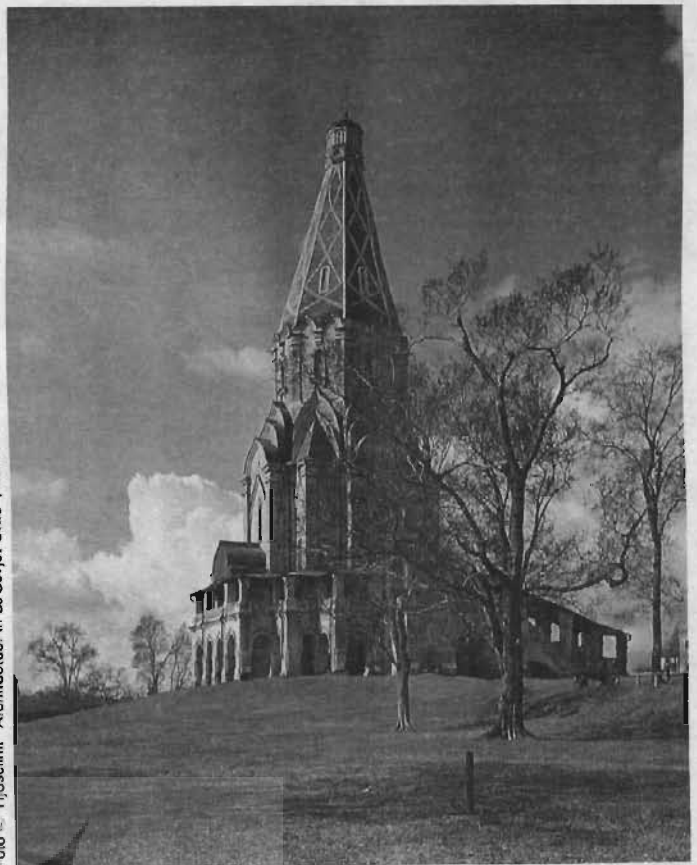


Foto © Tridschrift "Architectuur in de Sovjet-Unie", Moskou

خطوط فراجهنده کلیسای معراج (۱۵۳۲) در کالومنسکوی، جنوب شرقی مسکو، یادآور قسمت معروفی است از وقایع نامه اولیه روس درباره بهت و حیرت فرستادگان پرنس ولادیمیر کیف به هنگام مشاهده شکوه و جلال مراسم عبادت در قسطنطنیه: «مطمئناً چنین زیبایی و شکوهی در هیچ نقطه ای از کره ارض وجود ندارد و ما از توصیف آن عاجزیم. فقط دانستیم که در آنجا خداوند در میان انسانها می زند...»

صفحه های رنگی

روبلف (حدود ۱۴۶۰ - حدود ۱۴۳۰) برای کلیسای خواب آبدی در ولادیمیر، شمال شرقی مسکو. مسیح که ماندورلایی پیغمبری (نماد تمثال نگارانه شکوه الهی) بر سردار دهاست راست تیرک می کنند و پادشاه، انجیلیهای گشوده را بر زانوی خود نگه می دارد. در گوشه ها، تصویر انجیل نویسان است. این نوع تمثال یادآور آخرین داوری است و از کتاب حزقیال و مکاشفه الهام می گیرد.

صفحه ۲۱

این تمثال مسیح بر صلیب (حدود ۱۵۰۰) یکی از زیباترین تمثالهای روس و منسوب است به استاد دیوونوسوس (حدود ۱۴۴۰ - حدود ۱۵۰۳) تمثال نگار برجسته مدرسه مسکو که در آن جانمیان آنبری رو بلف تدوین می کردند. تطویل اندامها باعث تقویت ریتم قائم اثر می شود که در آن نورطلایی نماد پیروزی مسیح بر مرگ به شمار می رود که ویژگی مفهوم ارتدوکسی مصلوبیت مسیح است. گالری ترتیاکوف، مسکو.

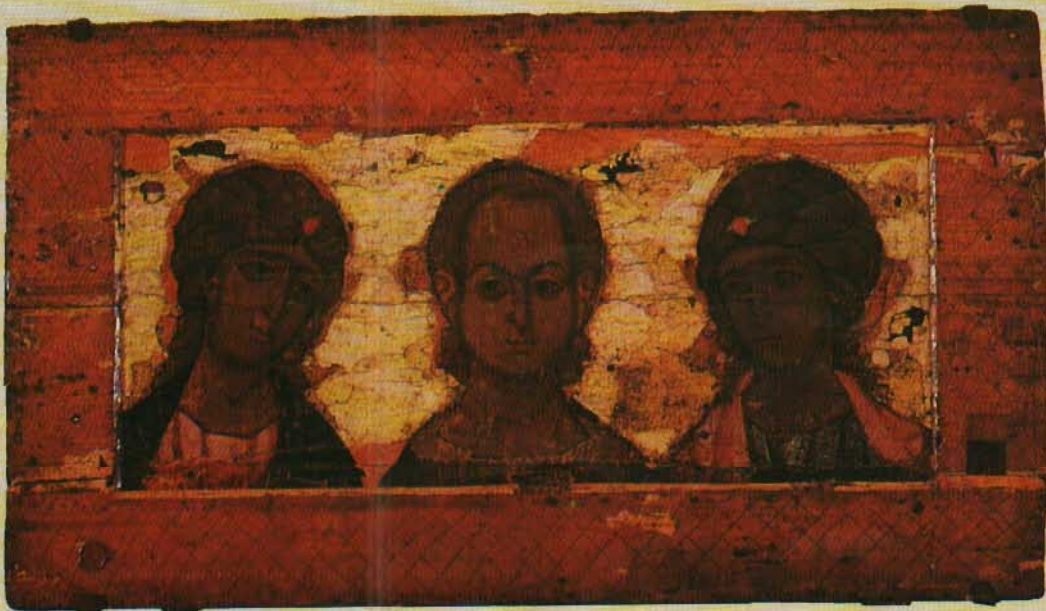
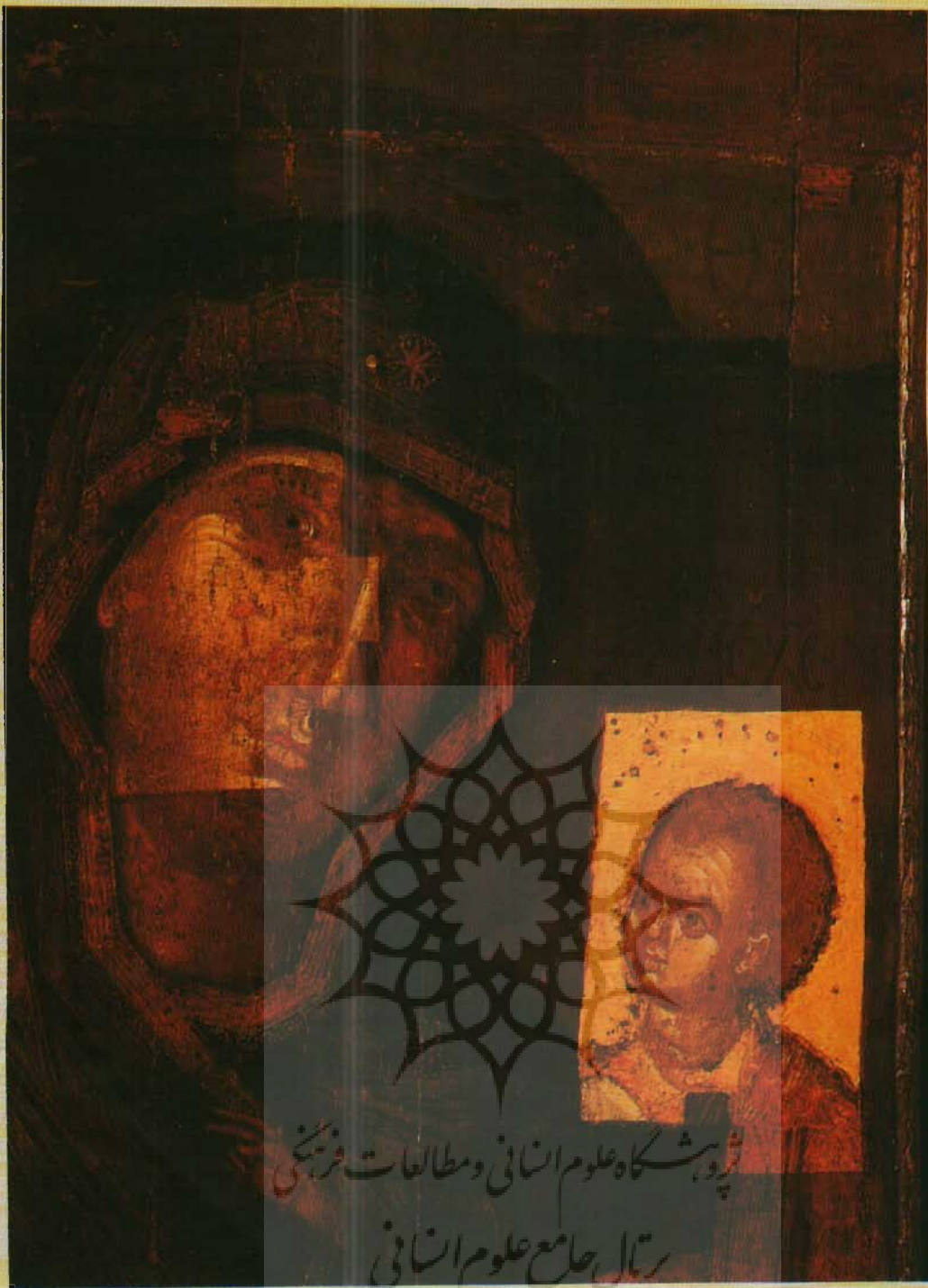
صفحه ۱۹

بالا: قسمتی از یک عنبرای «هود یگیتریا» («کسی که راه را نشان می دهد») از یکی از قدیمیترین تمثالهای روس که به نظر عده ای از صاحب نظران قدمتش به قرن دوازدهم می رسد. عنبرای هودیگیتریا نوعی ترسیم سریم عنبرای بود که تمثال نگاران زیاد به کار می بردند (نیز نگاه کنید به عکس رنگی پایین چپ صفحه ۲۲). این تمثال هم اکنون در موزه های دولتی کرملین در مسکو در دست ترمیم است. پایین: در این تمثال، که یکی از کهنترین تصویرهای مسیح عمانوتیل («خدا با ما» در عبری) است، مسیح نجات بخش به صورت نوجوانی در میان دو فرشته صقرب نشان داده شده است. این تمثال قبلاً در کلیسای خواب آبدی در کرملین مسکو نگهداری می شد و اکنون در گالری ترتیاکوف است.

صفحه ۲۰

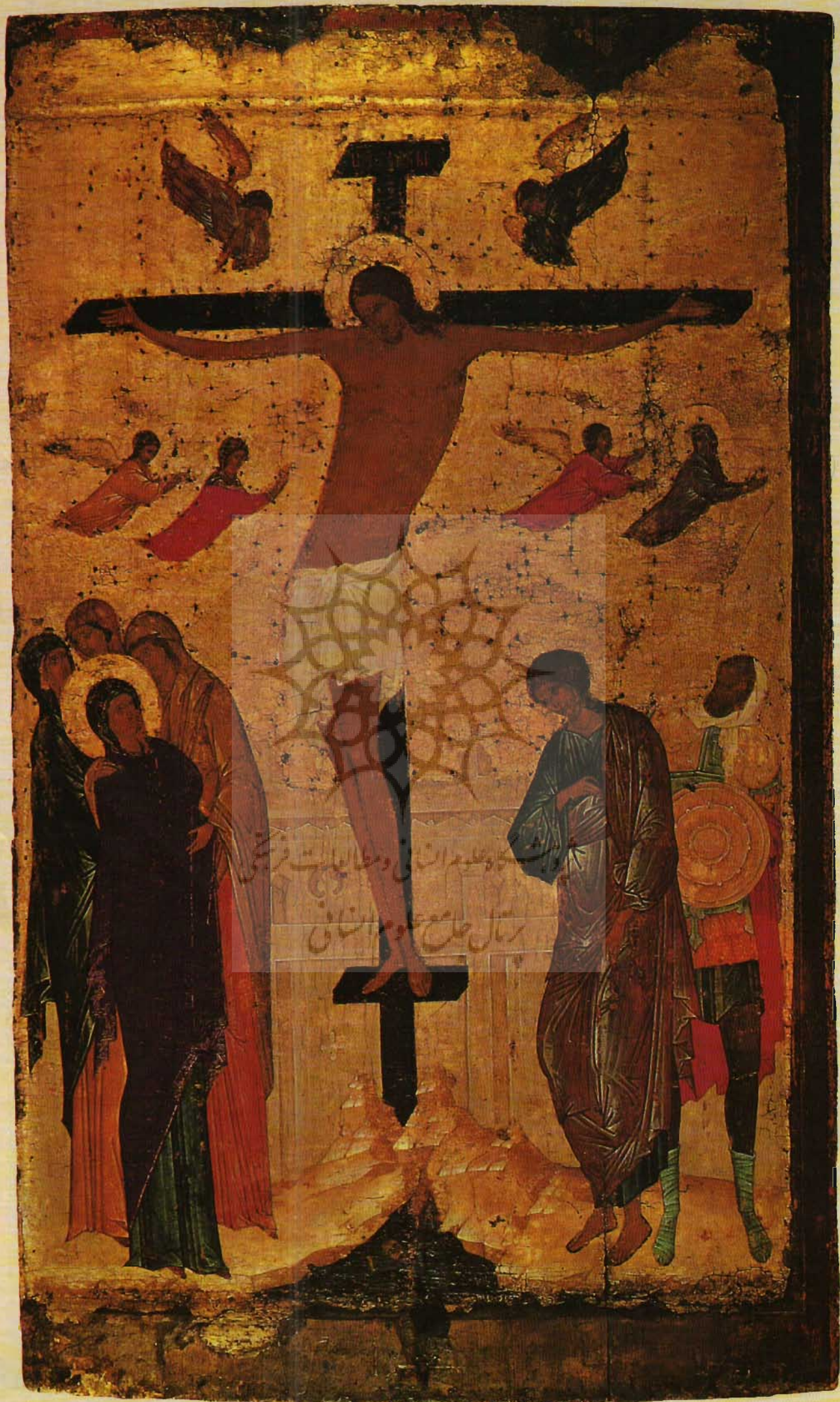
نجات بخش بر شکوه (اوایل قرن شانزدهم) اسر آنلدی

تمثال نگاری، یا نقاشی انسانها و رویدادهای مقدس، در روسیه مسیحی به فرم هنری مهمی تبدیل شد. در کلیساهای ارتدوکس چنین تصاویری از حرمت برخوردارند و در مناجات در کنار تمثال آویز یا دیوار پوشیده از تمثال (نگاه کنید به صفحه ۱۱) جای مهمی دارند. هنر تمثال نگاری بیشتر نمادین است تا واقعگرایانه، و تمثال نگار سنتی هنرمندی نبود که دید شخصی را بیان کند بلکه واسطه ای بود که از قواعد سنتی برای بیان تصویری آیین کلیسا تبعیت می کرد. تمثال نگاری روس ریاضت آمیز و معمولاً همراه با ترسیم واقعگرایانه جزئیات است و ظرافت فراوان و نمایش فرقه های جزئی در آن کاملاً به چشم می خورد. در تمثالهای قدیم روس، موضوع نقاشی را غالباً در یک فرورفتگی که در قاب چوبی می تراشیدند نقاشی می کردند و «قاب» برآمده پیرامون لاجرم جزئی از اثر را تشکیل می داد. در قرن شانزدهم و پس از آن، قسمتی از تصاویر را گاه با سنگها و فلزات قیمتی می پوشانند (نگاه کنید به توضیح شکل صفحه ۳)





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



و علیهم السلام و مع الالهیت فرستاده
رسان خلق مع قوم انسانی



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رسال جامع علوم انسانی



صفحه رنگی

صفحه ۲۲

بالا: تمثال جهره مقدس مسیح. این تمثال متعلق است به نوعی تمثال‌نگاری که در روسیه به نروگوتفورنی (دنه ساخته دست) معروف است و اشاره دارد به سنتی که طبق آن تمثال اولیه یک تصویر افسانه‌ای بوده که مسیح برای آهگار، شاه ایسا فرستاده بود. طبق این روایت، شاه که به

جلام مبتلاء بود، می‌خواست با مسیح گفتگو کند، اما مسیح که می‌دانست مصائبش نزدیک است تصویر جهره خود را که به طرز معجزه آسایی بر تکه‌ای پارچه نقش شده بود برای آن شاه فرستاد. این تمثال که عده‌ای از متخصصان به مکتب نوگورود منسوب می‌دانند، زمانی زیست بخش کلیسای خراب اهلی در کرملین مسکو (نیمه قرن دوازدهم تا اوایل قرن سیزدهم) بود اما در حال حاضر در گالری ترتیاکوف مسکو جای دارد.

پایین: تمثال قرن یازدهم متقوس در هر دو طرف. راست، تثلیث؛ و چپ یک علرای هردیگپتیا (نگاه کنید به عکس بالای صفحه ۱۹)، که در آن مریم علرا مسیح کودک را بردست چپ خویش گرفته و با دست راست خود به او اشاره می‌کند. مسیح طوماری از کتب مقدسه در دست چپ دارد و با دست راست دعا می‌کند. حروف رمزی یونانی مسیح (ICXC) بر بالای سر او نوشته شده است. این تمثال به کلیسای قدیسه سوفیا در نوگورود تعلق داشت.

اما رفته رفته و بخصوص با تلاشهای کلیسا، جنبش مقاومت میهن پرستانه‌ای در حول و حوش شهر گمنام مسکو شکل گرفت. روح راهنمای مبارزه آزادیخواهانه کسی نبود جز بنیانگذار و پدر اعظم صومعه تثلیث (۱۳۳۷) به نام قدیس سرگیوس رادونزی که پیروزی قطعی بر مغولان را در دشت کولیکوو (۱۳۸۰) پیش‌بینی کرد. این پیروزی نقطه عطفی در تاریخ روسیه و پی سنگ راه آزادی بود. شاگردان قدیس سرگیوس به دورترین نقاط سرزمین روسیه سفر کردند و در دور افتاده‌ترین و تهی‌ترین بیابانها صومعه و دیر ساختند.

به رغم مصائبی که از زورگویی مغولان ناشی می‌شد، کلیسای ارتدوکس روس با کوشش مؤمن‌ترین خادمان خود توانست خرمنا میوه فکری برداشت کند. در این دوره نهادهای دینی مهمی مانند صومعه تثلیث و قدیس سرگیوس (۱۳۳۷)، صومعه‌های اسپاس - آندرونیکوف (۱۳۶۰)، سیمونوف (۱۳۷۰)، کیریلوو - بلوزرسکی (۱۳۹۷)، سالووتسکی (۱۴۲۹) و بسیاری دیگر تأسیس شد. بعضی از صومعه‌ها به صورت مرکز سالنامه‌نویسی درآمدند؛ بعضی دیگر مدرسه و کتابخانه شدند؛ و بعضی دیگر هم با کارگاههای خود شاهکارهایی از تمثال‌نگاری ارتدوکس، مانند آثار توفانس یونانی و بخصوص تثلیث عهد عتیق از آندری روبلف خلق کردند (نگاه کنید به تصویر روی جلد و صفحه ۳). اهمیت فرهنگ دینی روسیه را طی هزار سال گذشته با تأثیر آن بر

الفبای جدیدی برای ترجمه انجیلها و آثار مذهبی مختلف به زبان اسلاوونیک کهن به وجود آوردند. در کلیسای ارتدوکس روسیه، رفته رفته در مراسم دینی زبان ملی به کار رفت.

قرن یازدهم و دوازدهم شاهد ظهور مکتب ممتازی از نویسندگان روس بود - نویسندگانی چون هیلاریون، بطرک کیف، سیریل، اسقف توروف؛ دانیال غریب؛ سیمون، اسقف ولادیمیر؛ و پولیکارپ راهب. فعالیتهای تبلیغی و ایجاد صومعه‌های جدید در مناطق دورتر به آبادی بیشتر و گسترش قلمرو روسیه نیز کمک کرد.

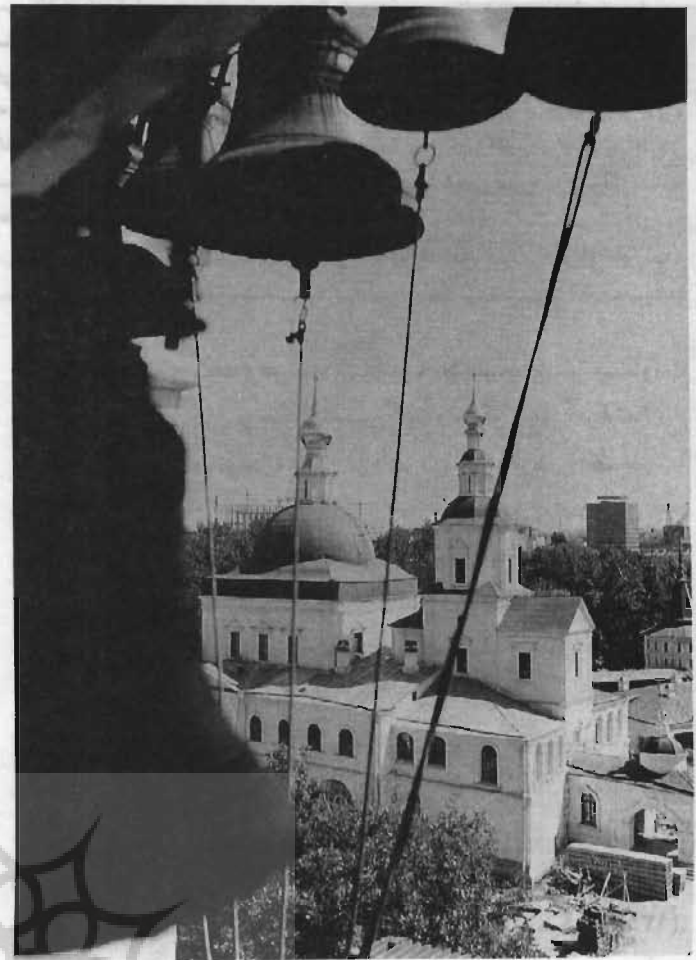
در قرن سیزدهم، آسمان تیره شد. مغولها از شرق یورش آوردند و در سال ۱۲۳۷ میلادی به کیف رسیدند. سه سال بعد شهر سقوط کرد و اردوی باتوخان به غرب پیش راند و همه چیز را در سر راه خود ویران کرد. سرانجام اردوی مغول از پیشروی باز ایستاد و علت اساسی این توقف همانا مقاومت سرسختانه کشور روسیه بود که قوای مغول را فرسوده کرد.

به مدت ۲۰۰ سال روسیه اشغال شده زیر یوغ مغولان بود. زمانی که کشورهای غرب اروپا از قوه و استعداد خود در راه ساختمان کلیساها، شهرها و قلعه‌ها و ایجاد کتابخانه‌های عظیم و تأسیس مدارس و دانشگاهها استفاده می‌کردند، روسیه کیف باقیمانده رمق خود را در راه خراج دادن به اربابان چادر نشین مصرف می‌کرد.

تأثیر تمثالهای دینی را در آثار غیردینی بعضی از نقاشان امروزی روس نیز می‌توان دید. در زیر، سال ۱۹۱۸ در پتروگراد اثر گوزما پتروف - وادکین (۱۸۷۵ - ۱۹۳۹) در فضای تماشایی نخستین روزهای انقلاب، پرداخت امروزی است از موضوع تمثال‌نگاران کهن، یعنی عذرا و طفل. وابستگی به تمثالهای قدیمی در نحوه ترسیم شکلها و خلوص رنگها مشهود است.



دولت شوروی بعضی از صومعه‌ها را که جزو یادمانهای تاریخی طبقه‌بندی شده‌اند به کلیسای ارتدوکس روس باز گردانده است. یکی از آنها صومعهٔ دانیلوف است در مسکو متعلق به قرن سیزدهم، که مقر بطرکی مسکو و شورای مقدس کلیسای ارتدوکس روس است. مراسم اصلی هزارهٔ مسیحی شدن روسیهٔ کیف در این کهنترین صومعهٔ مسکو که با وسواس مرمت شده برگزار شده است. سمت راست، منظرهٔ صومعه از درون یک برج ناقوس، سمت چپ، عکسی قدیمی از صومعهٔ و فندنسکی (قرن شانزدهم) که در سال ۱۹۸۷ به کلیسا باز گردانده شد. فیودور داستایفسکی، نویسندهٔ روس، هنگامی که رهان برادران کارامازوف را می‌نوشت دوبار از این صومعه دیدن کرد.



یاروسلاول، رستاخیز در کاستروما در کنار رودخانهٔ دبر، و بسیاری دیگر می‌توان دید.

در هنر تمثال‌نگاری با نام‌هایی چون دیونوسیوس، پروخور گارودتسی، دانیال ختورنی، پروکوپ خیرینا، ایستوم ساوینا، و سیمون اوشاکوف مواجه می‌شویم. یک شماس یونانی به نام بولس حلبی پس از سفری به روسیه در سال ۱۶۶۶ نوشت که «در اینجا تمثال‌نگاران همتایی در زمین ندارند و مهارت هنری، ظرافت دست و روانی کار ایشان باورکردنی نیست... دریغ که چنین دست‌های فانی‌اند.»

میراث روسیهٔ مسکوی در قرون هجدهم و نوزدهم از این هم مهمتر است. آشنایی با سنت‌های کهن موجب خلاقیتهای ادبی و هنری جدیدی شد. نیکولای گوگول، نیکولای لسکوف، پاول ملنیکوف پچرسکی و بسیاری دیگر، از جمله فیودور داستایفسکی، با پسزمینهٔ معنویت ارتدوکس آثار خویش را خلق کردند. حتی آثار آن دسته از نویسندگان بزرگی که نظرشان نسبت به ارتدوکسی مخالف بود، از پوشکین و تولستوی گرفته تا بلوک، ناخودآگاه نشان از ریشه‌های ارتدوکس دارند؛ حتی ایوان تورگنیف شکاک در داستان «بازمانده‌های جاندار» پرهیزگاری مردم روس را تصویر می‌کند.

نقاشیهای میخائیل نستروف (۱۸۶۲-۱۹۴۲)، میخائیل و روبیل (۱۸۵۶-۱۹۱۰) و ک. س. پتروف-وادکین (۱۸۷۵-۱۹۳۹)، که سرچشمهٔ هنرشان تمثال‌نگاری ارتدوکس است سخت مورد توجهند. تاریخ موسیقی از سنت همسرایی ارتدوکس روسیه توشه‌ها بر گرفته و بعدها از آثار بارتلیانسکی، چایکوفسکی و رخماینوف نیز نصیب فراوان برده است.

اندیشهٔ دینی روسیه ردباهای بسیار در تاریخ اروپا باقی گذاشته است. در نیمهٔ اول قرن حاضر، فلسفه و الهیات روس از طریق آثار چهره‌های برجسته‌ای چون ولادیمیر سالایف (۱۸۵۳-۱۹۰۰)، وکشیشانی مانند سرگی بولگاکوف (۱۸۷۱-۱۹۴۴)، پاول فلورنسکی (۱۸۸۲-۱۹۴۳)، گئورگی فلوروفسکی (۱۸۹۳-۱۹۷۹)، و بسیاری دیگر، بر فرهنگ اروپای غربی تأثیر چشمگیر گذاشته است.

امروزه کلیسای ارتدوکس روسیه دهها میلیون عضو دارد. کلیسای ما با ده قرن تجربه در اخلاقیات مسیحی، در جهان امروز هم به رسالت سنتی‌اش و هم به نزدیک‌سازی نگرشهای جدید با رسالت خود ادامه می‌دهد. کلیسای ما از زمانی که نهضت بین‌المللی صلح در اواخر دههٔ

فرهنگ‌های اروپایی، آسیایی و آمریکایی می‌توان سنجد. در مقاطعی از تاریخ روسیه، دامنهٔ این تأثیر تا فنلاند، لهستان، منطقهٔ لگا، قفقاز و ماورای قفقاز، سبیری غربی، یاکوتیا، کامچاتکا، حوضهٔ رود آمور، آلاسکا، جزایر آلوسین، آمریکای شمالی، ژاپن، آسیای میانه، کره و قسمتهایی از چین گسترش یافت. تعلیمات کلیسا در این سرزمینهای گوناگون بیش از چهل گروه قومی مختلف را کلاً یا جزئاً به آغوش مسیحیت آورد. به برکت فعالیت مبلغان، بسیاری از این اقوام زبان مکتوب کسب کردند و به ترجمهٔ انجیلها دسترسی یافتند. همچنین به برکت فعالیت مبلغان کلیسای ارتدوکس روس، سنتها و فرهنگ اصیل دینی امروزه در نقاشی، موسیقی، معماری و مناجات‌های اسقف‌نشینهای ارتدوکس در کشورهای چون ایالات متحده، ژاپن و فنلاند زنده مانده است.

تحکیم روسیه را به صورت یک کشور یکپارچه در حول مسکو می‌توان تحت تأثیر مطران پیوتر [پتر، پترس] (متوفی در ۱۳۲۶ میلادی) و مطران آلکسی (متوفی در ۱۳۷۸ میلادی) دانست. فرهنگ روسی دورهٔ مسکوی را می‌توان اساساً دینی خواند. زمانی که اروپای غربی در چنگال بحران اصلاح دین بود، زندگی روزمره در روسیه ملهم و حتی تحت فرمان کلیسا بود و کلیسا باعث ایجاد شهرهایی شد که امروزه یادمان ارتدوکسی روس به شمار می‌روند، مانند سوزدال، روستوف-ولیکی، پرسلاول-زالسکی، کیریلوف (نگاه کنید به تصاویر صفحات ۱۴ و ۱۵).

احداث صومعه‌های جدید باعث ترقی باز هم بیشتر معماری روسیه شد؛ نتیجه‌اش را در ابنیهٔ باشکوهی چون کلیساهای معراج در کالومنسکوی، قدیس یوحنا مبرشر در روستای دیاکووو، شفاعت در میدان سرخ مسکو (کلیسای قدیس با زیل آمرزیده)، الیاس نسبی در

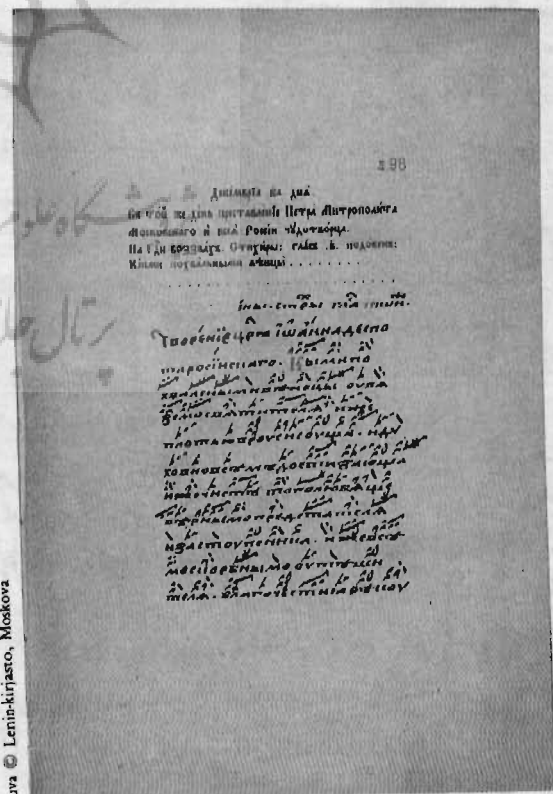


۱۹۴۰ با گرفت فعالانه از آن حمایت کرده است و به عضویت سازمانهای بین‌المللی کوشنده راه صلح، آفرینش فرهنگی و پاسداری از ارزشهای فرهنگی در آمده است.

در سال ۱۹۷۷، برای نخستین بار در تاریخ کشورمان، کنفرانسی بین‌المللی به ابتکار کلیسای ارتدوکس روس با مضمون «روحانیان در خدمت صلح پایدار، خلع سلاح و مناسبات برابر میان خلقها» برگزار شد. این کنفرانس رهنمودهایی برای همکاری کلیسای ارتدوکس روس و پیروان سایر ادیان در مبارزه به خاطر صلح ارائه داد. کنفرانس مشابهی نیز در سال ۱۹۸۲ برگزار شد.

در سال ۱۹۸۷ همکاری ما در مبارزه به خاطر صلح بیشتر شد و ما نه فقط با پیروان ادیان دیگر بلکه با نمایندگان افکار عمومی در جهان نیز دست همکاری دادیم؛ در همین سال، کلیسای مادر یک مجمع بین‌المللی «برای دنیای غیرهسته‌ای، برای بقای بشر» که فراخوانی برای تشریک مساعی انتشار داد شرکت کرد.

هزاره مسیحی شدن روسیه توجه افکار عمومی جهان را به کلیسای ما جلب کرده است و در اجلاسهای بین‌المللی که به یادبود این رویداد در کیف (۱۹۸۶) و مسکو (۱۹۸۷) برگزار شد پژوهشگران پرآوازه‌ای از سراسر جهان به جستجوی پیوندهای فرهنگ روسیه با میراث ارتدوکس پرداختند.



Kura © Lenin-kirjasto, Moskova

سرودهای مناجات کلیسای ارتدوکس روس که از سنت موسیقایی بیزانس به ارث رسیده بود اساساً یک صدایی بود (با یک صدا یا با چند صدای همناخت) و بدون سازهای همراه اجرا می‌شد. نوشته بالا، ابیات سرودی است از ایوان مخوف.

عالیجناب جوونالی، بطرک کروتیش و کولومنا، از چهره‌های برجسته کلیسای ارتدوکس روس و عضو شورای مقدس این کلیساست. وی عضو کمیسیون ملی یونسکو در اتحاد شوروی است و در کار بسیاری از سازمانها و نهادهایی که به امور فرهنگی، همکاری بین‌المللی و صلح می‌پردازند فعالانه مشارکت می‌کند.